

بررسی ساختار و گونه روایی داستان بعثت پیامبر (ص) در ادبیات و نگارگری بر اساس نظریه ژپ لینت ولت

زهره مرادی*

دانشجوی دکترای پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۴/۱۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۴/۱۶)



چکیده

ولت، روایت را ابزار مشترک بیان در گونه‌های مختلف ادبی و هنری؛ دربرگیرنده سه موقعیت: راوی، کنشگر و مخاطب می‌داند. به زعم او، از تقابل میان راوی و کنشگر، دو گونه روایت همسان و غیرهمسان با زیر مجموعه‌ها و الگوهای روایتی ویژه‌ای شکل می‌گیرد. تاکنون این نظریه تنها در آثار ادبی بررسی شده، پس مقاله حاضر، گونه‌های روایی و طرح ساختاری نظریه ولت را همزمان در اشعار و نگاره‌های داستان بعثت پیامبر مدنظر قرار می‌دهد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و نحوه گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است و اشعار عطار، ژولیده، ریلکه و نگاره‌های جامع‌التواریخ، مجمع‌التواریخ و سیره‌النبی، انتخاب شد. فرضیه پژوهش تاییدی بر گفته ولت است که روایت را مختص متون ادبی ندانسته، بلکه تحلیل هنرهای گوناگون چون نگارگری را امکان‌پذیر می‌سازد. نتیجه آنکه، شعر ندای محمد، ریلکه، از نوع روایت ناهمسان، با گونه متن نگار و زاویه دید صفر است. در اشعار عطار و ژولیده نیشابوری، زاویه دید صفر و ایبات ابتدا از نوع ناهمسان و متن نگار است که در ادامه به روایت همسان کنشگر تغییر می‌کند. تمامی تصاویر از نوع ناهمسان، گونه روایتی از نوع کنشگر با زاویه دید بیرونی است.

واژه‌های کلیدی

داستان بعثت پیامبر (ص)، روایت شناسی، ژپ لینت ولت، گونه‌های روایی، نگارگری روایی.

مقدمه

همچنین پلان‌هایی از فیلم‌ها و چند تابلوی نقاشی ذکر شده؛ اما تاکنون دو ژانر مختلف با موضوع یکسان واکاوی نشده است. بر این اساس نگارنده بر آن است تا روایت‌های نقل شده پیرامون لحظه نزول اولین آیات قرآن توسط جبرئیل به پیامبر اسلام (ص)، که به دلیل خط سیر مشخص دارای قابلیت‌های روایی است، را مورد بررسی قرار دهد. اگر چه روایت‌ها خط سیر مشخصی دارند و توالی ملموس از حوادثی هستند که در کنار هم جمع شده‌اند و در نهایت به جایی ختم می‌شوند (تولان، ۱۳۸۶، ۱۹)، با این حال، لحظه نزول اولین آیات الهی بر پیامبر اسلام، در دوره‌های مختلف توسط شاعران و نگارگران، به گونه‌های متفاوتی ترسیم شده است. جهت یافتن این تفاوت‌ها این پژوهش بر آن است تا بر اساس نظریه ژپ لینت ولت، به بررسی گونه‌های روایی و ساختار طرح داستان بعثت پیامبر (ص) در اشعار شاعران و آثار نگارگران دوره‌های مختلف بپردازد. در نتیجه این مقاله بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی انواع گونه‌های روایی و ساختاری در اشعار و نگاره‌های داستان بعثت پیامبر بپردازد و در حین پژوهش به این سوالات پاسخ دهد:

- ۱- بر چه اساس ساختار نگاره‌ها و اشعار داستان بعثت پیامبر (ص) قابلیت روایی دارند؟
 - ۲- با توجه به نظریه ژپ لینت ولت، گونه روایی و زاویه دید در داستان بعثت پیامبر (ص) کدامند؟
- جهت مشخص شدن رویکرد نگارنده، پس از معرفی اجمالی روایت‌شناسی ژپ لینت ولت، طرح داستان بعثت پیامبر (ص) مشخص، و در ادامه جنبه‌های مختلف این نظریه در اشعار و نگاره‌های انتخابی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روایت‌ها را به شکل‌های مختلفی تعریف کرده‌اند از جمله آن را، اصطلاحی عام برای هر آنچه قصه، داستان یا حکایتی را نقل می‌کند، به کار می‌برند. در زبان انگلیسی، اصطلاح Narrative به هر قسم روایتی که دارای حادثه، شخصیت، نقل، گفتار و اعمال شخصیت‌ها باشد، خواه نظم یا نثر اطلاق می‌شود (داد، ۱۳۸۳، ۵۳) و در فارسی این کلمه به معنی حدیث، خبر و نقل کردن سخن کاربرد دارد (انوشه، ۱۳۷۶، ۶۹۵).

مطالعه نظری روایت را روایت‌شناسی می‌نامند. روایت‌شناسی معاصر در دهه ۱۹۶۰ میلادی به دست پژوهشگران فرانسوی پی‌ریزی شد که همگی دل در گرو صورت‌گرایان روسی و زبان‌شناسی سوسوری داشتند (مکاریک، ۱۳۸۸، ۱۵۱). چهره‌های مختلفی در تکوین و شکل‌گیری نظریه‌های نوین روایت‌شناسی نقش‌آفرین بوده‌اند که از جمله آن ژپ لینت ولت، نظریه‌پرداز و منتقد فرانسوی است. به اعتقاد او، روایت‌های جهان بی‌شمارند و از طریق گفتار، نوشتار، تصاویر ثابت یا متغیر، ایما و اشاره و تلفیق بسامان همه این عناصر منتقل می‌شوند. روایت در اسطوره، افسانه، حکایت، داستان، رمان کوتاه، شعر حماسی، تاریخ، تراژدی، نمایشنامه کمدی، نمایش صامت، نقاشی، شیشه‌کاری نقش‌دار، سینما، فکاهی، خبر و گفت و گو موجود است (وبستر، ۱۳۸۲، ۸۱). در ایران نظریه ولت بیشتر در حوزه ادبیات، از جمله داستان کوتاه یکی بود یکی نبود اثر محمد علی جمالزاده، توسط طلایی در سال ۱۳۹۲، و سفرنامه ناصر خسرو، به وسیله محمدی فشارکی و خدادادی در سال ۱۳۹۲، بررسی شده است. اگر چه در مقالات و سخنرانی‌های علی عباسی جنبه‌های مختلف این نظریه موشکافی گردیده و برای درک بهتر مطالب، نمونه‌هایی از ادبیات داستانی ایران و جهان،

ژپ لینت ولت و گونه‌شناسی روایت

روایت، هنگامی «روایت دنیای داستان ناهمسان» است که راوی به عنوان کنشگر در دنیای روایت ظاهر نشود (راوی ≠ کنشگر). برعکس، در «روایت دنیای داستان همسان»، یک شخصیت داستانی دو نقش را به عهده می‌گیرد: از یک طرف، به عنوان راوی (من-روایت‌کننده)، وظیفه روایت کردن روایت را بردوش دارد؛ از طرف دیگر، همچون کنشگر (من-روایت‌شده)، عهده‌دار نقشی در روایت است: شخصیت-راوی = شخصیت-کنشگر (محمدی و عباسی، ۱۳۸۱، ۲۲۴).

همچنین ژپ لینت ولت، از این نقطه نظر که مرکز جهت‌گیری نگاه مخاطب (خواننده) بر کدام موقعیت (راوی یا کنشگر) قرار می‌گیرد؛ برای هر کدام از شکل‌های اصلی گونه روایت،

در دهه‌های اخیر، روایت‌شناسی به عنوان یک علم سعی داشته تا با کمک نظریه‌های مختلف، به الگوهای روایتی روشنی دست یابد. نظریه گونه روایی ژپ لینت ولت، از جمله آن‌هاست. او در کتابی با عنوان رساله‌ای در باب گونه‌شناسی روایت و نقطه دید، به تحلیل و تبیین نظرات و اندیشه‌های خود در باب روایت می‌پردازد. ولت بر این باور است که دنیای داستان از سه موقعیت: راوی، کنشگر و مخاطب تشکیل شده است، و اساس نظریه خود را بر پایه تضاد عملی بین راوی و کنشگر استوار می‌کند. در نتیجه این تقابل دو گونه روایت پدید می‌آید: روایت دنیای داستان ناهمسان و روایت دنیای داستان همسان (لینت ولت، ۱۳۹۰، ۳۲).

به مرحله دیگر می‌داند (اخوت، ۱۳۷۱، ۲۳). هر طرح با وضعیت آغازین که به معرفی شخصیت‌ها و موقعیت آن‌ها می‌پردازد (شناخت وضعیت محمد(ص) در چهل سالگی و مامن گزیدن او در غار حرا طبق روال همیشه) شروع می‌شود. سپس حادثه‌ای این تعادل را به هم می‌زند (ورود جبرئیل به دورن غار و علنی کردن حضور خود). در پاره میانی، عمدتاً از دغدغه‌ها سخن به میان می‌آید (آشفستگی درونی محمد که بخشی از آن ناشی از بیسوادی اوست) و با ورود نیروی سامان‌دهنده (جبرئیل محمد را به آرامش دعوت می‌کند و خواندن را بر او آسان می‌سازد)، مشکلات برطرف و وضعیت پایانی (خواندن آیات توسط محمد(ص) و مبعوث شدن او به پیامبری) شکل می‌گیرد. با این وصف، لحظه نزول اولین آیات الهی بر پیامبر(ص) به دلیل دارا بودن مراحل مختلف، از وضعیت آغازین تا پایانی، داستانی بودن آن را مسجل می‌سازد.

گونه روایی متن نگار- روایت دنیای داستانی ناهمسان

این گونه روایی زمانی شکل می‌گیرد که مرکز جهت‌گیری نگاه خواننده بر روای (+) واقع شود و نه بر یکی از کنشگران (-). در این حالت روای همچون نقش ساز روایت، خواننده را به جهان داستان هدایت می‌کند (محمدی و عباسی، ۱۳۸۱، ۲۲۴). روای در این گونه روایی، در تمامی مکان‌ها و زمان‌ها حاضر است. او می‌تواند کاملاً و با اطمینان به عقب بازگردد و یا جلوتر از کنش‌های داستان حرکت کند. از آنجا که اطلاعات روای در مورد شخصیت‌های داستانی، چه از لحاظ عمق درونی و چه از لحاظ عمق بیرونی، بی حد و حصر است، او را قادر می‌سازد تا همه چیز را تحت کنترل خودش درآورد. به همین خاطر این روای به دانای کل معروف است (لینت ولت، ۱۳۹۰، ۴۱ و عباسی، ۱۳۸۵، ۸۳).

نمونه‌های گونه روایی متن نگار، روایت دنیای داستانی ناهمسان، از داستان بعثت پیامبر(ص)

راینر ماریا ریلکه، شاعر آلمانی قرن بیستم، در سال ۱۹۰۷ شعری با عنوان ندای محمد(ص) می‌سراید. در این شعر، محمد یک امی و بادیه‌نشین پاک طینت است که فرشته وحی او را به شهود ذات احدیت می‌رساند.

بر اساس نظریه ژپ لینت ولت، این شعر از نوع روایت ناهمسان است. چرا که روای به عنوان کنشگر (جبرئیل و پیامبر(ص)) در دنیای داستان ظاهر نمی‌شود (روای ≠ کنشگر). همچنین این روایت ناهمسان از گونه روایت متن نگار است، زیرا مرکز جهت‌گیری نگاه خواننده به روی روای واقع می‌شود، نه بر یکی از کنشگران. به بیان دیگر خواننده، اطلاعات خود را تنها از جبرئیل به عنوان کنشگر دریافت نمی‌کند و در مواردی شرح واقعه را از دید پیامبر(ص) می‌بیند. در جایی از شعر اوای به عقب بازمی‌گردد و از

زیرمجموعه‌ای تعریف می‌کند. چنانچه روایت دنیای داستان ناهمسان را به سه گونه روایی متن نگار، کنشگر و بی طرف تقسیم و دو گونه روایی متن نگار و کنشگر را در دل روایت دنیای داستان همسان جای می‌دهد.

در گونه روایی متن نگار، روایت دنیای داستان همسان، راوی (من-روایت کننده) و کنشگر (من-روایت شده) با یکدیگر همسان هستند و خواننده به یاری پرسپکتیو روایتی شخصیت-راوی (من-روایت کننده) و نه کنشگر (من-روایت شده)، با دنیای داستان آشنا می‌شود. در حقیقت شخصیت-راوی با نگاهی به پشت سر یا به گذشته خود آن چه که برایش پیش آمده است را، روایت می‌کند (همان، ۲۲۵). در این شرایط شخصیت-راوی می‌تواند یک بعد مسافت زمانی یا روانی را اختیار کند و بدین وسیله زندگی را که در گذشته به عنوان شخصیت-کنشگر تجربه کرده است، بازبینی و بازنمایی کند (لینت ولت، ۱۳۹۰، ۹۹). این گونه روایتی، در نوع‌های ادبی خود روایتی (اتوبیوگرافی) و اعترافات دیده می‌شود (عباسی، ۱۳۸۱، ۶۱).

از دید ولت، گونه روایتی زمانی بیطرف یا خنثی است؛ که نه راوی و نه حتی یک کنشگر هیچ کدام به عنوان مرکز جهت‌گیری نگاه خواننده قرار نگیرند؛ در نتیجه هیچ مرکز جهت‌گیری فردی برای نگاه خواننده وجود ندارد. در این حالت، از ذهنیت درونی راوی اثری نیست و او درباره شخصیت‌ها وضعیتی خنثی دارد و آن‌ها را قضاوت یا تفسیر نمی‌کند. در حقیقت روای همچون دوربینی است که آنچه را می‌بیند یا می‌شنود را بیان می‌کند (همان، ۵۸).

علاوه بر این، ولت اصطلاحی به نام دورنمای روایتی یا زاویه دید را در راستای گونه روایتی تعریف می‌کند. به اعتقاد او، دورنمای روایتی به ادراک جهان داستان از طریق فاعل-ادراک کننده که همان روای یا کنشگر است، می‌پردازد. دورنمای روایتی نیز به سه دسته زاویه دید صفر، درونی و بیرونی قابل تقسیم است (محمدی و عباسی، ۱۳۸۱، ۲۳۰).

طرح داستان بعثت پیامبر(ص)

بیشتر علما و مفسرین شیعی و سنی بر این امر اتفاق نظر دارند که اولین آیات قرآن کریم^۱، در روز ۲۷ رجب، بر فراز کوه حرا و توسط فرشته وحی، جبرئیل، بر محمد(ص) نازل شد.

«جبرئیل آمد و گفت: ای محمد بخوان! پیامبر(ص) فرمود: من قرائت کننده نیستم. جبرئیل او را در آغوش گرفت و فشرد، و بار دیگر گفت: بخوان! پیامبر(ص) همان جواب را تکرار کرد. بار دوم نیز جبرئیل این کار را کرد و همان جواب را شنید و در سومین بار گفت: (اقرأ باسم ربك الذی خلق... تا آخر آیات پنج گانه). این سخن را گفت و از دیده پیامبر(ص) پنهان شد. رسول خدا(ص) که با دریافت نخستین اشعه وحی سخت خسته شده بود به سراغ خدیجه آمده و فرمود: «جامه‌ای بر من بیفکنید تا استراحت کنم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۵۳۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۴۱)^۲.

طرح همان چارچوب داستان است که تودوروف در تعریفی ساده آن را گذر از یک مرحله تعادل (وضعیتی که همه چیز عادی است)

گذشته پیامبر(ص) سخن می گوید:

که می تواند در آن جا بماند آن بازرگان در سفرهایش / در درون آشفته ای که او بود؛ / هرگز نخوانده بود - آن هم به ویژه چنان کلمه ای را، که برای یک فرزانه بسی زیاد بود (ریلکه، ۱۳۸۳، ۱۳۰). و در جای دیگر از نگاه جبرئیل سخن می گوید: اما فرشته، آمرانه، نشان داد و نشان داد / به او آنچه را که بر صفحه اش نوشته شده بود، و تسلیم نشد و از او دوباره خواست: بخوان ... (همان). زاویه دید در این شعر، از نوع زاویه دید صفر است. چرا که داستان از نگاه و دیدگاه کسی روایت می شود که اطلاعاتش بیشتر از دیگر شخصیت های داستان است. در حقیقت او خداگونه از همه چیز داستان آگاهی دارد و از بیرون به رویدادهای داستان نگاه می کند. راوی نه تنها درون کنشگران (حضرت محمد(ص) و جبرئیل) را شرح می دهد که چون دانای کل، هم به گذشته باز می گردد و هم به جلو نظر دارد (محمدی و عباسی، ۱۳۸۱، ۲۳۰).

گونه روایی کنشگر - روایت دنیای داستانی ناهمسان

گونه روایی زمانی کنشگر است که مرکز جهت گیری نگاه خواننده بر راوی (-) نبوده، بلکه درست برعکس بر یکی از کنشگران (+) واقع شود (همان، ۲۲۵). به بیان دیگر، حوادث و رویدادها از دیدگاه یکی از شخصیت های داستان که همان کنشگر است، شرح داده می شود. اینگونه روایی بسیار محدودتر از روایت ناهمسانی است که بر راوی متمرکز شده است. چرا که راوی فقط آنچه را که شخصیت داستانی می داند، ارایه می نماید. پس در این گونه روایی، بازگشت به عقب امکان دارد، ولی حرکت رو به جلو یا جلوتر از کنش های داستانی حرکت کردن و در همه جا بودن، به طور مطمئن امکان ندارد. در نتیجه کارکرد راوی هم محدود می شود (عباسی، ۱۳۸۱، ۸۵).

نمونه های گونه روایی کنشگر، روایت دنیای داستانی ناهمسان، از داستان بعثت پیامبر

نمونه اول: از کتاب سیرالنبی نوشته الداریر نسخه های مصور متفاوتی بر جای مانده که برخی از آن ها در موزه توپکاپی استانبول نگهداری می شوند. دو تصویر مورد بحث در این مقاله (تصاویر ۱-۲)، از دو نسخه متفاوت استخراج شده است. اگر چه مولف کتاب در سطرهایی واقع در بالا و پایین تصاویر، به شرح و توضیح واقعه می پردازد، اما در آن ها اثری از جبرئیل (یکی از کنشگران اصلی داستان بعثت) نیست. در تصویر دوم، تعدادی چهره بدون هیچ مشخصه ای (بال) که بتوان آن ها را متعلق به عالم ربانی دانست، نقش شده اند. قرار گرفتن این شخصیت ها در افق و بالاترین بخش تصویر، تنها دلیلی است که می توان آن ها را در زمره فرشتگان الهی به شمار آورد و حضور آن ها خبر از وقوع حادثه ای مهم می دهد. همچنین بی شک به تصویر کشیدن کسی که هاله ای از نور به دور سر بدون چهره دارد، تقدس او را نشان می دهد؛ با این حال

انتساب او به پیامبر اسلام (ص)، تنها از طریق توضیحات مولف امکان پذیر است. از سوی دیگر در این تصاویر، مکان و زمان لحظه نزول قابل شناسایی نیست و نگارگر در عوض به تصویر کشیدن غار، به ترسیم تپه های حاوی درختان و درختچه ها بسنده کرده است. **نمونه دوم:** شاهرخ پسر تیمور، حافظ ابرو را به نگاشتن کتاب تاریخ جهان از آدم تا زمان پادشاهی اش می گمارد و آن را مجمع التواریخ می نامد. تمامی نسخه های باقیمانده از این کتاب، با نگاره های ساده ای مصورند. در تصویر مورد بحث (تصویر ۳)، شخصی با چهره ای به سبک تیموری، بر بلندای کوهی نشسته است. در اطراف سرش هاله نور مقدس به صورت شعله ای خودنمایی می کند. شخصیتی دیگر، ایستاده، با بال های برافراشته و سیمای زنانه، دستانش را به نشانه بیان و توضیح مطلبی به سوی شخص نشسته حرکت می دهد. پی بردن به این که فرد نشسته پیامبر اسلام (ص) بوده و فرشته نقش شده که سیمایی شبیه به زنان دارد، جبرئیل، امری مشکل است. تنها عنوان کتیبه ای متن که اشاره به اولین وحی و آغاز نبوت پیامبر(ص) دارد، ما را در راه شناخت شخصیت های نگاره یاری می دهد.

نمونه سوم: رشیدالدین فضل الله همدانی، وزیر دولت ایلخانی، در کنار حمایت های فراوان از هنر ایران، کتابی به نام جامع التواریخ از خود برجای می گذارد. در این کتاب از اسطوره ها، باورها و فرهنگ قبایل ترک و مغول، تاریخ ایران تا پایان دوره ساسانیان و سایر اقوام، همچنین تاریخ پیامبران از آدم تا محمد (ص)، سخن رفته است. از جمله داستان بعثت پیامبر(ص) که نگاره مربوط به آن در تصویر ۴ آمده است. این تصویر به سبک نقاشی های چینی و به صورت افقی کشیده شده است. از هاله مقدس نور به دور سر شخصیت نشسته خبری نیست؛ اما وجود بال های تصویر شده در پیکره ایستاده، تقدس او را نشان می دهد. از این نشانه می توان پی برد که شخص نشسته نیز مقام الوهیت دارد. در این تصویر، خبری از وقوع حادثه در زمان و مکان مشخصی نیست. نگارگر به جای نشان دادن غار، تنها به نمایش دادن پاره سنگ هایی اکتفا کرده است و عدم وجود منبع نور مشخص، بی زمانی در آن را بیشتر می کند.

نتیجه آن که در تمامی تصاویر مورد بحث، راوی و کنشگر با هم یکی نیستند؛ در نتیجه روایت از نوع ناهمسان و گونه روایتی از نوع کنشگراست. اگر چه نسبت صحیح و دقیق دادن به فرد دارای هاله نور و در برخی مواقع نشسته، به پیامبر اکرم (ص) و همچنین موجود بالدار به جبرئیل، از سوی خواننده مشکل است، اما او از آغاز به این امر واقف است که تصاویر، به فردی مقدس و پیامی ربانی و الهی مربوط می شود. در حقیقت نشانه هایی چون هاله نور دور سر و چهره و یا وجود بال در کنشگران (شخصیت های نشسته و ایستاده)، مرکز جهت گیری نگاه خواننده را مشخص می کند، نه نوع نقاشی نگارگر به عنوان راوی. از آنجا که اندیشه گفته پردازی که نگاره را کشیده، به خوبی نمایان است؛ و خواننده اندیشه او را می داند، پس گونه روایتی از نوع کنشگراست. از طرف دیگر از آن جا که خواننده تنها از برون شخصیت ها آگاه است و تنها به کمک نشانه هایی چون هاله نور و بال قادر به درک نگاره است، در نتیجه زاویه دید از نوع بیرونی است.



تصویر ۳- محمد(ص) به پیامبری خوانده و اولین وحی نازل می شود، مجمع التواریخ، حافظ ابرو، هرات، ۱۴۲۵م، نیویورک، موزه متروپلیتن.
 ماخذ: <https://www.metmuseum.org/learn/educators/lesson-plans/islam-and-religious-art>

گونه روایی کنشگر- روایت دنیای داستان همسان

گونه روایی در روایت دنیای همسان، زمانی کنشگر است که شخصیت-راوی (من روایت کننده) با شخصیت کنشگر (من روایت شده)، کاملاً یکی شود. بدین وسیله او می تواند دوباره گذشته اش را در فکر و حافظه اش زنده کند و خواننده می تواند دورنمای روایتی شخصیت- کنشگر را درک کند (عباسی، ۱۳۸۵، ۸۸). در نتیجه دوربین تنها با یکی از کنشگران همراه است و اتفاقات از دریچه دید او روایت می شود.

نمونه های گونه روایی کنشگر، روایت دنیای داستانی همسان، از داستان بعثت پیامبر(ص)

نمونه اول: عطار نیشابوری، شاعر قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی، در مثنوی اسرارنامه و در مقاله دوم به نعت پیامبر اکرم(ص) می پردازد. بیشتر ابیات این مقاله از نوع روایت دنیای داستان ناهمسان است، چرا که راوی و کنشگر همسان نیستند. همچنین در بخش آغازین ذکر لحظه نزول اولین آیات توسط جبرئیل بر پیامبر نیز می توان این نوع روایت را به همراه گونه روایی متن نگار و زاویه دید صفر استخراج کرد. چرا که راوی به گذشته باز می گردد و از رسم و عادت معمول جای گرفتن در غار که سنتی دیرین در میان اعراب بوده؛ یاد می کند (دوانی، ۱۳۸۹، ۹۱).



تصاویر (۱-۲)- محمد (ص) در غار حرا، سیره النبی، زندگی پیامبر، الدرایر، ۱۵۹۵م، استانبول، موزه توپکاپی.
 ماخذ: <http://kilyos.ee.bilkent.edu.tr/~history/ottoman33.html>

چو خلوت داشت پیش از وحی چل سال
امین وحی، وحی آورد در حال
درآمد پیش طاوس ملایک
پی او قدسیان گشته فذلک
فغان دربست جبریل امین زود
که ای مهترزفان بگشای هین زود
(عطار نیشابوری، ۱۳۷۴، ۵۰)

در ادامه شرح واقعه از زبان و دید جبرئیل نقل می شود که این امر تغییر جهت روایت به سوی دنیای داستان همسان را به همراه دارد. چرا که راوی (جبرئیل)، خود به عنوان کنشگر در داستان حضور دارد؛ من روایت کننده، با من روایت شده یکسان هستند. گونه روایی در این بخش از نوع کنشگر است. زیرا رویدادهای داستان از چشم یکی از کنشگران (جبرئیل) دیده می شود و تمام اتفاقات از دریچه دید او بیان می شود. زاویه دید از نوع صفر است، چرا که جبرئیل نه تنها از عالم ربانی و مقام نبوت محمد (ص) اطلاع دارد که از حالات درونی و تشویش و اضطراب او نیز آگاهی تام دارد.



تصویر ۴- محمد (ص) اولین وحی را از جبرئیل دریافت می کند، جامع التواریخ، رشید الدین فضل الله، ۱۳۰۷م، اسکاتلند، کتابخانه دانشگاه ادینبورگ.

ماخذ: https://www.muslimworldtoday.org/images_prophet_muhammad_
(islamic_art_history_clan_ibn_saud_took_muslims_hostage)

دل پر نور را دریای دین کن
حدیث وحی رب العالمین کن
بموسیقی غیب اهل سپاسی
که این نه پرده را پرده شناسی
تویی مستحضر اسرار مدوک
مشو خاموش اقراء بسم ربک
مه و خورشید چون باشد مدثر
دثار از سر برفکن قم فاندز
تویی شاه و همه آفاق خیل اند
تویی اصل و همه عالم طفیل اند
بحق خوان خلق را و رهبری کن

تویی بر حق بحق پیغمبری کن (همان، ۵۱).

نمونه دوم: در بخش آغازین غزلی که ژولیده نیشابوری (شاعر معاصر) درباره بعثت پیامبر (ص) می سراید؛ روایت از نوع دنیای داستان ناهمسان و متن نگار است چرا که مرکز جهت گیری نگاه خواننده بر روای واقع است و نه بر کنشگر.

شب گشت و تیرگی همه جا را فراگرفت
وز نور ماه دامن گیتی ضیاء گرفت
در هفده ربیع به شوق وصال حق
جا در درون غار حرا مصطفی گرفت
مهد صفا به غار حرا تا نهاد پای
غار حرا ز یمن قدمش صفا گرفت
پاسی ز شب گذشت که از ماورای عرش
نوری جهید و جلوه اش ارض و سماء گرفت
(ژولیده نیشابوری، ۱۳۷۵، ۱۰۵).

اما در ادامه، راوی از نگاه کنشگر (جبرئیل) سخن را ادامه می دهد. در نتیجه خواننده داستان حوادث و نقل روایت را از دیدگاه او می بیند. به بیان دیگر، گونه از نوع متن نگار به نوع کنشگر تغییر می یابد.

روح الامین به غار حرا آمد و بگفت
این آیه را بخوان که دل از او جلا گرفت
اقراً باسم ربک یا ایها الرسول
کز خواندنش سزاست ره هر خطا گرفت (همان).

نتیجه

این نظریه بر تضاد عملی میان راوی و کنشگر قرار دارد که در نتیجه آن گونه های روایی مختلف و زاویه های دید متفاوتی شکل می گیرد. در این مقاله، اشعار مربوط به داستان بعثت پیامبر از شاعرانی چون راینر ماریا ریلکه، عطار نیشابوری و ژولیده نیشابوری و نگاره هایی از کتاب های جامع التواریخ رشید الدین فضل الله، مجمع التواریخ حافظ ابرو و سیره النبی الداریر انتخاب و بر اساس نظریه ژپ لینت ولت مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از این بررسی به قرار زیر است: ۱- در شعر نوای محمد (ص) اثر ریلکه، روایت از نوع ناهمسان

لحظه نزول اولین آیات الهی توسط جبرئیل بر پیامبر (ص)، به دلیل دارا بودن ویژگی هایی چون، موقعیت آغازین و پایانی، طرح داستانی و کاربرد گونه های روایی و زاویه های دید، در قالب داستان می گنجد؛ و می توان آن را بر اساس الگوهای روایت شناسی مورد بررسی و تحلیل قرار داد. این لحظه در طول زمان توسط شاعران و نگارگران مختلف مورد توجه قرار گرفته و به حالت های گوناگونی ترسیم شده است. جهت بررسی هم زمانی اشعار سروده و نگاره های ترسیم شده درباره این لحظه، نظریه روایت شناسی ژپ لینت ولت راهگشاست. اساس

دید همچنان صفر باقی بماند.
 ۳- در تمامی تصاویر مورد بحث در این مقاله، راوی (نگارگر) و کنشگر (جبرئیل و پیامبر(ص)) یکی نیستند. در نتیجه روایت از نوع ناهمسان است. در تصویر ۱ از سیره النبی الداریر، جبرئیل به عنوان یکی از کنشگران حذف می‌شود و وجود فرشتگان به تصویر کشیده شده در تصویر ۲ و همچنین هاله شعله مانند به دور پیکره ایستاده، فضای روحانی تصاویر را نشان می‌دهد. در تصاویر ۳ و ۴ نیز جدای از متن نگاشته شده، خود تصاویر و شخصیت‌ها به تنهایی هویت آن‌ها را مشخص می‌کنند و تنها نشانه‌هایی چون هاله نور و بال برافراشته، عناصری هستند که مقام الوهی پیکره‌ها را مشخص می‌سازند. این امر سبب می‌شود تا در تحلیل خود، کلیه نگاره‌ها را از نوع گونه کنشگر بدانیم. چرا که نشانه‌های کنشگران (هاله نور و بال)، مرکز جهت‌گیری نگاه خواننده را مشخص می‌کنند. از طرف دیگر، از آنجا که خواننده تنها از برون شخصیت‌ها آگاه است و تنها به کمک نشانه‌هایی چون هاله نور و بال به موقعیت نگاره‌ها پی می‌برد، در نتیجه زاویه دید از نوع بیرونی است.

است. زیرا من روایت‌کننده (ریلکه) با من کنشگر (جبرئیل و پیامبر(ص)) یکی نیست. گونه روایت متن نگار و زاویه دید صفر است؛ چون مرکز جهت‌گیری نگاه خواننده به روی راوی واقع می‌شود و نه بر یکی از کنشگران. به بیان دیگر خواننده اطلاعات خود را تنها از جبرئیل به عنوان کنشگر دریافت نمی‌کند؛ در مواردی شرح واقعه را از دید پیامبر(ص) می‌بیند. راوی همچون دانای کل است که قادر است درون کنشگران را به تصویر بکشد.

۲- در بیشتر ابیات شعر نعت پیامبر(ص)، سروده عطار نیشابوری و غزل بانگ یا ایها الرسول ژولیده نیشابوری، روایت از نوع ناهمسان است. علاوه بر این، بخش آغازین مربوط به ذکر لحظه نزول اولین آیات گونه روایی متن نگار و زاویه دید صفر است. چرا که راوی به گذشته باز می‌گردد و از رسم و عادت معمول جای گرفتن در غار که سنتی دیرین در میان اعراب بوده، یاد می‌کند. اما در ادامه (در هر دو شعر) شرح واقعه از زبان و دید جبرئیل به عنوان یکی از کنشگران روایت می‌شود که سبب می‌گردد جهت روایت به سوی دنیای داستان همسان تغییر کند و گونه روایی کنشگر و زاویه

سپاسگزاری

با تشکر از خانم مهرانگیز مرادی، کارشناس ارشد و دبیر زبان و ادبیات فارسی، که ویراستاری ادبی مقاله را عهده‌دار شدند.

پی‌نوشت‌ها

۱ ژولیده نیشابوری (۱۳۷۵)، دیوان اشعار ژولیده نیشابوری، مفید، تهران.
 طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی، جلد بیستم، جامعه مدرسین حوضه علمیه، قم.
 طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصححان، هاشم رسولی، فضل الله یزدی طباطبایی، ناصر خسرو، تهران.
 عباسی، علی (۱۳۸۱)، گونه‌های روایتی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۳، صص ۷۴-۵۱.
 عباسی، علی (۱۳۸۵)، دورنمای روایتی، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۱، صص ۷۵-۹۱.
 عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۷۴)، اسرارنامه، تصحیح صادق گوهرین، بی تا، تهران.
 لینت ولت، ژپ (۱۳۹۰)، رساله‌ای در باب گونه‌شناسی روایت و نقطه دید، مترجم: علی عباسی و نصرت حجازی، علمی فرهنگی، تهران.
 محمدی، محمد هادی و علی عباسی (۱۳۸۱)، صد ساختار یک اسطوره، چیستا، تهران.
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، محقق احمد علی بابایی، جلد پنجم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
 مکاریک، ایرنازیما (۱۳۸۸)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مترجم: مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ سوم، آگه، تهران.
 وبستر، راجر (۱۳۸۲)، پیش درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی، مترجم: الهه

۱ پنج آیه آغاز سوره علق: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...؛ بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید، همان خدایی که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد، بخوان که پروردگارت از همه بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم داد، و به انسان آن چه را که نمی‌دانست آموخت» اولین آیاتی هستند که بر پیامبر نازل شده اند.
 ۲ تفسیر متفاوتی از داستان بعثت پیامبر در کتاب تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت اثر علی دوانی وجود دارد (دوانی، ۱۳۸۹، ۹۱).

فهرست منابع

اخوت، احمد (۱۳۷۱)، دستور زبان داستان، فردا، اصفهان.
 انوشه، حسن (سرپرست) (۱۳۷۶)، دانشنامه ادب فارسی، جلد دوم، سازمان چاپ و انتشارات، تهران.
 تولان، مایکل (۱۳۸۶)، روایت‌شناسی، درآمدی زبان شناختی-انتقادی، مترجم: سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، سمت، تهران.
 داد، سیما (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، مروارید، تهران.
 دوانی، علی (۱۳۸۹)، تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، جامعه مدرسین حوضه علمیه، قم.
 ریلکه، ماریا راینر (۱۳۸۳)، دعوت محمد(ص)، مترجم: شرف الدین خراسانی، بخارا، شماره ۳۵، ص ۱۳۰.

islam-and-religious-art

https://www.muslimworldtoday.org/images_prophet_muham-mad_islamic_art_history_clan_ibn_saud_took_muslims_hostage

دهنوی، سپیده سحر، تهران.

<http://kilyos.ee.bilkent.edu.tr/~history/ottoman33.html>

<https://www.metmuseum.org/learn/educators/lesson-plans/>



The Studying of Structural and Typology of Narrative in the Story of Prophet Muhammad (p.b.u.h.) in Literature and Painting by Jaap Lintvelt Theory

Zohreh Moradi*

Ph.D. Student in Art Research, Tarbiat Modares University and Lecturer, Faculty of Humanity, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.

(Received 7 Jul 2018, Accepted 7 Jul 2019)

One of the common elements of textual language is the element of "narration", so that narration as a means of expression has served different literary and artistic forms. The historian uses the narrative to express the message in the film and the painter in order to express the events of history, the views and the hearings. In fact, each of the linguistic types uses the narrative as an adjunct to its own purposes. In the English language, the term narrative is used to describe any narrative that has an incident, personality, quotes, speech, and actions of characters, whether it is a discipline or a prose. Jaap Lintvelt is one of the contemporary thinkers who takes narrative as a common expressive tool in different types of literary and artistic works. The important uses of narration is in any literary genres and in different kinds of art. He, in his book, "Aspects de la narration: thématique, idéologie et identité", considers each narrative constituting three position-takings; narrator position, actor position and audience position. The conflict between narrator and actor shapes two types of narratives: similar narratives and dissimilar ones that each include some subcategories and follow a certain pattern of narrative. This theory has only been used in the literary context; however this article tries to examine narrative types and Jaap Lintvelt's structural project at the same time in poetry and illustrated the stories of Prophet Muhammad (Peace be upon him and his progeny). The method used in this project is descriptive- analytical and date-gathering is relied on library and poems of famous poets such as, Attar Neyshabouri, Zholideh Neyshabouri and Rainer Maria Rilke. Also this paper depictions of the books, Jami 'al-tawarikh (The Compendium of chronicles)

Rashid-al-Din Fazl Allah Ṭabīb Hamadāni, vizier to the Mongol Il-khans Ġāzān (r. 1295-1304) and Öljeitü (Uljāytu; r. 1304-16), Majma' al-Tavarikh Hafiz-i Abru or 'Abd-Allāh Nur- b. Loṭf-Allāh b. 'Abd-al-Rašid Behdādini (also K̄vāfi or Haravi; 833/June 1430), Siyer-i-Nebi al-Darir, (Ottoman Turkish: سير نبي) is a Turkish epic about the life of Muhammad, in which the moment of descent of first divine verses by Gabriel to prophet Muhammad (Peace be upon him and his progeny), is described and visualized. The hypothesis of this project is a way of approving Lintvelt's theory that does not confine narrative to literary texts, but it can be used to examine various arts including illustration. According to the theory, the result obtained from this research shows that, The poem "Call of Muhammad" written by Rainer Maria Rilke is the narrator of the story world of heterogeneous (narrator ≠ actors), type narrative auctorial and narrative perspectives or the angle of view is "look-back" or "zero angle". Narrative perspectives in Attar Neyshabouri and Zholideh Neyshabouri's poems are zero and at first, the lines are heterogeneous and auctorial but in Continuance it changed to the same story the narrator's world with narrative active type. In all illustrations, narratives are heterogeneous with narrative active type and narrative perspectives are the "look out" or "outside view".

Keywords

The Story of Prophet Muhammad (p.b.u.h.), Narratology, Jaap Lintvelt, Typology of Narrative, Narrative Illustration.